

هفته های ۱ تا ۹

خط فکری حسن تعلیل:

۱ - در خزان بی برگ دیدن گلستان را مشکل است / مرغ زیرک در بهاران سر به زیر پر برد

۲ - دادند دو گوش و یک زبانت ز آغاز / یعنی که دو بشنو و یکی بیش نگو

۳ - مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن / که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست

۴ - زمانه از ورق گل مثال روی تو بست / ولی ز شرم تو در غنچه کرد پنهانش

۵ - تویی بهانه ای آن ابرها که می گریند / بیا که صاف شود این هوای بارانی

۶ - به صدق کوش که خورشید زاید از نفست / که از دروغ، سیه روی گشت صبح نخست

۷ - گشت بیمار که چون چشم تو گردد نرگس / نشدش شیوه ی تو حاصل و بیمار بماند

۸ - گفتمش سلسله ی زلف بتان از پی چیست ؟ / گفت حافظ گله ای از دل شیدا می کرد

۹- روزی درخش تیغ تو بر آتش اوفتاد / آتش ز بیم تیغ تو در سنگ شد نهان

۱. در چند بیت زیر حسن تعلیل وجود دارد؟ (بیت های آزمون سراسری)

بی برگی ما برگ نشاط است چمن را / شیرازه گلزار بود خار و خس ما
چون به چهره بفشانی چین زلف مشک افشان / کس به هیچ نستاند بار نافه چین را
مگر ای زلف ز حال دلم آگه شده ای / که پراکنده و شوریده و سرگردانی
مگر که لاله بدانست بی وفایی دهر / که تا بزاد و بشد جام می ز کف نهاد
ماه و پروین از خجالت رخ فروپوشد اگر / آفتاب آسا کند در شب تجلی روی تو
بس که حرف حق کسی در دهر نتواند شنید / گیرد اول در اذان گفتن مؤذن گوش را

(۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

۲. در تمام گزینه های زیر ، به جز، آرایه «حسن تعلیل» پدید آمده است.

(۱) با خاک عجین آمد و از تاک عیان شد / خون دل شاهان که می اش نام نهادند
(۲) آرام نیست موی بر آتش فکنده را / از زلف پیچ و تاب کجا می رود برون
(۳) محمل لیلی از این بادیه چون برق گذشت / همچنان گردن آهو به تماشاست بلند
(۴) خویشان در بند نیک و بد مکن از بهر آنک / زشت و خوب و وصل و هجر و درد و درمان بگذرد

۳. در تمام گزینه های زیر ، به جز، آرایه «حسن تعلیل» پدید آمده است.

(۱) تنگ است بس که جای نشستن ز جوش گل / استاده است سرو به یک پا در این چمن
(۲) آب روان چو آینه گردیده است خشک / از حیرت نظاره ی گل ها در این چمن
(۳) سحر ز روی خود ای کاش پرده برداری / که باغبان زند آتش به باغ نسترنش
(۴) چو نقاش ازل نقش تو می بست / ز کلکش نقطه ای بر گل چکیده ست

۴. ایستگاه آوایی (درنگ) در کدام بیت درست انتخاب شده است؟

- ۱) من نه آن صیدم که آزادی هوس باشد مرا / از قفس گویم نفس، تا در قفس باشد مرا
- ۲) قد نهال، خم از بار منت ثمر است / ثمر قبول مکن سرو این گلستان باش
- ۳) شراب خانگی ام، بس می مغانه بیار / که من نمی شنوم بوی خیر از این اوضاع
- ۴) این لب بوسه، فریبی که تو را داد خدا / ترسم آینه به دیدن ز تو قانع نشود

۵. در کدام بیت، نشانه‌ی مکث در جای درستی نیامده است؟

- ۱) اگر مرگ، داد است بیداد چیست؟ / ز داد این همه بانگ و فریاد چیست؟
- ۲) چو باد عزم، سر کوی یار خواهم کرد / نفس به بوی خوشش مشکبار خواهم کرد
- ۳) دلا چو غنچه، شکایت ز کار بسته مکن / که باد صبح نسیم گره‌گشا آورد
- ۴) چو شد روز رستم بپوشید گبر / نگهبان تن کرد بر گبر، ببر

خط فکری اسلوب معادله:

۱ - شانه می آید به کار زلف در آشفستگی / آشنایان را در ایام پریشانی پیرس

۲ - شکر نعمت نعمت افزون کند / کفر نعمت از کفت بیرون کند

۳ - تهی پای رفتن به از کفش تنگ / بلای سفر به که در خانه جنگ

۴ - می شوند از سردمهری دوستان از هم جدا / برگ‌ها را می کند باد خزان از هم جدا

۵ - نیست بعد از مرگ هم، رزق حریص آسودگی / پیچ و تاب مار گردد وقت خوابیدن زیاد

۶. در کدام گزینه «اسلوب معادله» برقرار است؟

- ۱) می تواند حلقه بر در زد حریم حسن را / در رگ جان هرکه را چون زلف پیچ و تاب هست
- ۲) لاله ای بی داغ از دل برنیاید سنگ را / کوهکن تا خون خود در دامن کهسار ریخت
- ۳) کس نتواند گرفت دامن دولت به زور / کوشش بی فایده ست وسمه بر ابروی کور
- ۴) چهره ات سردرگریان می کند آینه را / طره ات سنبل به دامن می کند آینه را

۷. در کدام گزینه حرکت گذاری واژه ها نادرست است؟

- ۱) چرخ گرد از هستی من گر برآرد گو برآر / دور بادا دور از دامن نامم گرد ننگ
- ۲) آسمان گو مفروش این عظمت کاندر عشق / خرمن مه به جوی خوشه ی پروین به دو جو
- ۳) من دیوانه چو زلف تو رها می کردم / هیچ لایق ترم از حلقه ی زنجیر نبود
- ۴) این سبزه که امروز تماشاگه توست / فردا همه از خاک تو برخواهد رُست

۸. در کدام گزینه واژه ای که باید با تاکید خوانده بشود، درست مشخص نشده است؟

- ۱) سر به هم آورده دیدم برگ های غنچه را / اجتماع دوستان یک دلم آمد به یاد
- ۲) شمع در فانوس خود را جمع سازد بیشتر / نور دل در گوشه ی محراب می گردد زیاد
- ۳) تو را در بوستان باید که پیش سرو بنشینی / وگر نه باغبان گوید که دیگر سرو نشانم
- ۴) گرم است بس که تربتم از سوز دل کلیم / شمع از دو سر گداخته شد بر مزار من

خط فکری جناس تام (همسان)

۱ - گر آمدم به کوی تو چندان غریب نیست / چون من در آن دیار هزاران غریب هست

۲ - کاووس کیانی که کی اش نام نهادند / کی بود کجا بود کی اش نام نهادند؟

۳ - سعدی به روزگاران مهری نشسته بر دل / بیرون نمی توان کرد آلا به روزگاران

۴ - وانکه گیسوی تو را رسم تطاول آموخت / هم تواند کرمش داد من مسکین داد

۵ - ای لب لعلت ز آب زندگانی برده آب / ما ز چشم می پرستت مست و چشمت مست خواب

۹. در کدام گزینه آرایه «جناس همسان» پدید نیامده است؟

- ۱) غلام آن لب ضحاک و چشم فتانم / که کید (فریب) و سحر به ضحاک و سامری آموخت
- ۲) چه جانها در غمت فرسود و تنها / نه تنها من اسیر و مستمندم
- ۳) ز کوی میکده دوشش به دوش می بردند / امام شهر که سجاده می کشید به دوش
- ۴) ز گوش پنبه برون آر و داد خلق بده / وگر تو می ندهی داد، روز دادی هست

۱۰. در همه گزینه ها بجز ...، هر دو نوع جناس به چشم می خورد؟

- ۱) غم زمانه خورم یا فراق یار کشم / به طاقتی که ندارم کدام بار کشم
- ۲) سخن کز سوز دل تابی ندارد / چکد گر آب از او آبی ندارد
- ۳) اجزای وجودم همگی دوست گرفت / نامی ست ز من باقی و باقی همه اوست
- ۴) گرفته رنگ ز خون دلم چو لاله پیاله / ز بس که بی تو خورم خون دل پیاله پیاله

خط فکری ایهام و ایهام تناسب

۱ - درر به شوق برآرند ماهیان به نشاط / اگر سفینه حافظ رود به دریایی

۲ - دل آشوب و دلبنده آفاق بود / به خوبی چو ابروی خود طاق بود

۳ - ببین دور از تو شاهانی که مردند / ز مال و ملک شاهی هیچ بردند؟

۴ - زبان ناطقه در وصف شوق ما لال است / چه جای کلک بریده زبان بیهده گوست

۵ - مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز / ورنه در مجلس رندان خبری نیست که نیست

۶ - یک پرده بیش نبود در فقر و سلطنت فرق / طبل تهی ست کشکول گر پوست کنده گویم

۷ - عاشق اندیشه دوری نتواند کردن / دوربینی صفت عاقل دوراندیش است

۱۱. در کدام گزینه آرایه ایهام دیده نمی شود؟

- ۱) دلم که چون سر زلف تو می رود بر باد / به دام عشق درافتاد و هرچه بادا باد
- ۲) دل دادمش به مژده و خجالت همی برم / زین نقد قلب خویش که کردم نثار دوست (نقد: سکه)
- ۳) دیدی که یار جز سر جور و ستم نداشت / بشکست عهد و از غم ما هیچ غم نداشت
- ۴) ندارم دستت از دامن به جز در خاک و آن دم هم / که بر خاکم روان گردی به دور دامنم گرم

ایهام تناسب

۱ - از من خسته به شیرین که رساند خبری / کز فراق تو چه‌ها بر سر فرهاد گذشت

۲ - حلاوت لب شیرین به خسروان بگذار / که رنج کوه بریدن نصیب فرهاد است

۳ - ز شوربختی خواجه‌وست این که چون فرهاد / نصیبش از لب شیرین همچو قند تو نیست

۴ - گر هزار است بلبل این باغ / همه را نغمه و ترانه یکی است

۵ - باز آ که در هوایت خاموشی جنونم / فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران

۶ - هر که در چین سر زلف بتان آویزد / آستین پر شود از نافه‌ی مشک ختنش

۷ - ز بنفشه تاب دارم که ز زلف او زند دم / تو سیاه کم بها بین که چه در دماغ دارد

۸ - دل ما به دور رویت ز چمن فراغ دارد / که چو سرو پایبند است و چو لاله داغ دارد

۹ - کسی از قضا نیست ایمن بلی / بدانسته ام از قضا این قدر

۱۰ - نیست بازی با رخ او عشق پنهان باختن / با چنان رخ غایبانه نیست آسان باختن

۱۲. در بیت «ماهم این هفته برون رفت و به چشمم سالی است / حال هجران تو چه دانی که چه

مشکل حالی است» در کدام واژه «ایهام تناسب» دیده می شود؟

(۱) ماه (۲) سالی (۳) مشکل (۴) هجران

۱۳. در کدام بیت ایهام و ایهام تناسب وجود دارد؟

(۱) گل از فروغ رویت ز آینه خانه روید / از آرزوی مویت سنبل ز شانه روید

(۲) که امشب می شود ساقی؟ که در بزم شراب ما / به جای پسته و بادام چشم شور می بارد

(۳) چون که پیوسته دل سوخته می خواهد دوست / گر نه قلبی تو در آتش رو و بگداز ای دوست

(۴) حال دلم ز زلف پریشان او بپرس / تا مو به مو بگوید و یک یک بیان کند

۱۴. در کدام گزینه آرایه ی جناس تام به چشم می خورد؟

(۱) خیال روی کسی در سر است هرکس را / مرا خیال کسی کز خیال بیرون است

(۲) گر برود جان ما در طلب وصل دوست / حیف نباشد که دوست، دوست تر از جان ماست

(۳) هزار بار بگفتم هزار بار هزار / به دل که ای دل مسکین مرو تو از پی یار

(۴) طاق پذیر است عشق جفت نخواهد حریف / بر نمط عشق اگر پای نهی طاق نه

۱۵. در کدام بیت واژه «روی» ایهام تناسب ندارد؟

(۱) گویند روی سرخ سرخ تو سعدی که زرد کرد / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم

(۲) ای شاه اگر سکندر دیدی حسام تو / از سنگ و روی و آهن سدی نساختی

(۳) این زر سرخ که روی تو ز عشقش زرد است / هست همچون درم قلب و مس سیم اندود

(۴) لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

خط فکری تضاد و متناقض‌نما:

۱ - بر سنگ زن این آینه‌ی عیب‌نما را

۲ - آینه‌رویا آه از دلت آه

۳ - جوی مشک بهتر که یک توده گل

۴ - مهرت به کدام ذره پیوست دمی / کان ذره به از هزار خورشید نشد

۵ - بگفت آن‌جا به صنعت در چه کوشند / بگفت انده خرنند و جان فروشند

۶ - آینه نگاهت پیوند صبح و ساحل / لبخند گاه گاهت صبح ستاره باران

۷ - در نومیدی بسی امید است / پایان شب سیه سپید است

۸ - در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست / با جان بودن به عشق در سامان نیست

۱۶. در کدام گزینه آرایه تضاد دیده نمی شود؟

- ۱) آن عجب نیست که ارواح و معانی یابند / از غبار درت اشباح و صور بر دیوار
- ۲) دل من نه مرد آن است که با غمش برآید / مگسی کجا تواند که برافکند عقابی
- ۳) پایگاهم فراتر است از هست / جایگاهم فروتر از اشباه
- ۴) در بیابان طلب گرچه ز هر سو خطر است / می رود حافظ بیدل به تولای تو خوش

۱۷. در کدام گزینه آرایه پارادوکس دیده نمی شود؟

- ۱) زان سوی بحر آتش اگر خوانیم به لطف ...
- ۲) دولت فقر خدایا به من ارزانی دار
- ۳) از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی
- ۴) یکی ز شب گرفتگان چراغ بر نمی کند

۱۸. در کدام گزینه متمم تاکیدی دیده نمی شود؟

- ۱) به دریا در منافع بی شمار است
- ۲) به رستم بر آنگه بیارید تیر
- ۳) تهمتن بدو گفت بر خیره خیر
- ۴) به بند کمر بر بزند تیر چند

خط فکری اغراق:

۱ - بدرّد ز آواز او کوه و سنگ / به دریا نهنگ و به خشکی پلنگ

۲ - خروشی ز لشکر برآمد به درد / رخ نامداران شد از درد زرد

۳ - خروش آمد از باره‌ی هر دو مرد / تو گفتی بدرّید دشت نبرد

۴ - ز سُم ستوران در آن پهن دشت / زمین شش شد و آسمان گشت هشت

۵ - زمین برتابد سپاه تو را / نه خورشید تابان کلاه تو را

۶ - ریگ آموی و درشتی های او / زیر پایم پرنیان آید همی

۱۹. مفهوم اغراق آمیز کدام بیت درست در مقابل آن نیامده است؟

(۱) ای که از کوچه معشوقه ما می گذری / برحذر باش که سر می شکنند دیوارش (غیرت عاشقان)

(۲) ز گرد سواران و از پرّ تیر / سر کوه شد همچو دریای قیر (شدت نبرد)

(۳) تو گفتی جهان کوه آهن شده است / همان پوشش چرخ، جوشن شده است (زیادی سربازان)

(۴) که گفتت برو دست رستم ببند / نبندد مرا دست، چرخ بلند (قدرت)

۲۰. در بیت زیر کدام آرایه های ادبی آفریده شده است؟

دل همچو سنگت ای دوست به آب چشم سعدی / عجب است اگر نگردد که بگردد آسیابی

(۱) جناس تام، تشبیه، اغراق، مراعات نظیر

(۲) تشبیه، تناقض، حسن تعلیل، اغراق

(۳) حسن تعلیل، جناس، تناقض، تضاد

(۴) تناقض، مراعات نظیر، جناس تام، حسن تعلیل

لفّ و نشر (و تقسیم)

۱ - ای نور چشم مستان در عین انتظارم / چنگی حزین و جامی بنواز یا بگردان

۲ - فروشد به ماهی و برشد به ماه / بن نیزه و قبه‌ی بارگاه

۳ - مهیاکن روزی مار و مور / اگرچند بی دست و پایند و زور

۴ - روی و چشمی دارم اندر مهر او / کاین گهر می‌ریزد آن زر می‌زند

۲۱. در کدام گزینه، آرایه‌ی «لفّ و نشر» پدید نیامده است؟

(۱) دل گرمی و دم سردی ما بود که گاهی / مرداد مه و گاه دی‌اش نام نهادند

(۲) بازکش یک دم عنان ای ترک شهر آشوب من / تا زاشک و چهره راهت پر زر و گوهر کنم

(۳) این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / بی‌عیار و شعر محض خوب و خالی نیست

(۴) گرچه بیرون تیره بود و سرد همچون ترس / قهوه‌خانه گرم و روشن بود همچون شرم

خط فکری کنایه

۱- دلیران میدان گشوده نظر / که بر کینه اول که بندد کمر

۲- چشم آسایش که دارد از سپهر تیز رو / ساقیا جامی به من ده تا بیاسایم دمی

۳- چشم پوشیدم ز نیک و بد حضور دل فزود / تا گرفتم روزن این خانه را روشن تر است

۴- مکن کاری که بر پا سنگت آید / جهان با این فراخی تنگت آید

۵- چو فردا نامه خوانان نامه خوانند / تو را از نامه خواندن ننگت آید

۶- شد نفس آن دو سه همسال او / تنگتر از حادثه‌ی حال او

۷- با ساربان بگویند احوال آب چشمم / تا بر شتر ببندد محمل به روز باران

۸- بزد نیزه او به دو نیم کرد / نشست از بر اسب و برخاست گرد

۹- به آورد با او بسنده نبود / بیچید از او روی و برگاشت زود

۱۰- بدو گفت کز من رهایی مجوی / چرا جنگ جویی تو ای ماه روی

خط فکری تشبیه

۱- زنی بود برسان گردی سوار / همیشه به جنگ اندرون نامدار

۲- فرود آمد از دژ به کردار شیر / کمر بر میان، بادپایی به زیر

۳- کمان را به زه کرد و بگشاد بر / بُد مرغ را پیش تیرش گذر

۴- چو بفروختی از که خواهی خرید؟ / متاع جوانی به بازار نیست

۵- مپیچ از ره راست بر راه کج / چو در هست حاجت به دیوار نیست

۶- همی دانه و خوشه خروار شد / ز آغاز هر خوشه خروار نیست

۷- دلی دارم خریدار محبت / کز او گرم است بازار محبت

۸- لباسی دوختم بر قامت دل / ز بود محنت و تار محبت

۹- ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی بر کند / چون تو را نوح است کشتیبان ز طوفان غم مخور

۱۰- خبرت هست که مرغان سحر می گویند / آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار

۱۱- عقل حیران شود از خوشه‌ی زرین عنب / فهم عاجز شود از حقه‌ی یاقوت انار

۱۲- سعدیا راست روان گوی سعادت بردند / راستی کن که به منزل نرسد، کج رفتار

۱۳- مثل من باغچه‌ی خانه هم از دوری تو / بس که غم خورده و لاغر شده گلدان شده است

۱۴- بس که هر تکه‌ی آن با هوسی رفت دلم / نسخه‌ی دیگری از نقشه‌ی ایران شده است

۱۵- عشق مهمان عزیزی است که با رفتن او / نرده‌ی پنجره‌ها میله‌ی زندان شده است

۱۶- گلایه از تو ندارم چرا که آن نقاش / مرا پیاده کشیده و تو را سوار کشید

۱۷- حکایت من و تو داستان تکه یخی است / که در برابر خورشید انتظار کشید

۱۸- با چشمان تو / مرا به الماس ستارگان نیازی نیست / با آسمان بگو

۱۹- ماه و پروین از خجالت رخ فروپوشد اگر / آفتاب آسا کند در شب تجلی روی تو

۲۰- ای لب لعلت ز آب زندگانی برده آب / ما ز چشم می پرستت مست و چشمت مست خواب

۲۱- در روز چه سان جلوه کند کرم شب افروز / با چهره تابان تو چون ماه برآید؟

۲۲- باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین / بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

۲۳- در هیچ بوستان چو تو سروی نیامده است / بادام چشم و پسته دهان و شکر سخن

۲۲. در تمام گزینه های زیر به جز، آرایه ی تشبیه وجود دارد.

- (۱) طاق کرده از دو عالم طاق آن ابرو مرا
(۲) گوی توفیق و کرامت در میان افکنده اند
(۳) ریسمان از رگ جان سازم و سوزن ز مژه
(۴) در قبضه ی جهد است کلید در روزی

خط فکری استعاره مصرحه

- ۱- در این بازار اگر سودی ست با درویش خرسند است / خدایا مُنعمم گردان به درویشی و خرسندی
- ۲- سعدی حجاب نیست تو آینه پاک دار / زنگار خورده چون بنماید جمال دوست ؟
- ۳- گرد ماه از مشک خرمن می زنی / و آتش اندر خرمن من می زنی
- ۴- همت خویش قوی دار که مرغ دل تو / جز بدین بال به سرمنزل عنقا نرسد
- ۵- مرغ دست آموز روزی بی نیاز است از طلب / در تلاش این شکار رام دست و پا مزین
- ۶- چو عاشق می شدم گفتم که بردم گوهر مقصود / چه دانستم که این دریا چه موج خون فشان دارد

۲۳. در دو بیت زیر، کدام گزینه دارای معنای استعاری است؟

«بمان تا بیاساید امشب سپاه / چو بر سر نهد کوه، زرین کلاه

ز لشکر گزینیم جنگ آوران / سرافراز با گرزهای گران»

(۱) امشب (۲) سپاه (۳) زرین کلاه (۴) گرزهای گران

استعاره مکنیه

۱ - در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست / با جان بودن به عشق در سامان نیست

۲ - هرکو نکاشت مهر و زخوبی گلی نچید / در رهگذار باد نگهبان لاله بود

۳ - تو را از کنگره‌ی عرش می‌زنند صغیر / ندانمت که در این دامگه چه افتاده است

۴ - مرد نقال از صدایش ضجه می‌بارید.

۵ - مجموعه‌ای می‌بایست از هر دو عالم روحانی و جسمانی تا بار امانت در سفت جان کشد.

۶ - تا به جایی رسی که می‌نرسد / پای اوهام و پایه‌ی افکار

تمرین: مشخص کنید، هر یک از ترکیب‌های زیر نمونه‌ای از تشبیه هستند یا استعاره‌ی مکنیه.

جویبار زمان، رشته‌ی افکار، خواب شکوفه‌ها، خواب غفلت، موجود خیالی، آینه‌ی دل، عنان قلم، دانه‌ی دل، عرق شرم، چراغ هدایت، سخن آسمانی، دریای عشق، دست‌گدایی، بلندای معرفت، قلّه‌ی دماوند، ژرفای عشق، بحر خدا، مهد زمین، مهد تمدن

۲۴. در همهی گزینه‌ها، به جز، دو آرایه‌ی «تشبیه» و «استعاره» با هم پدید آمده‌است.

- ۱) شب خرداد به آرامی یک مرثیه از روی سر‌ثانیه‌ها می‌گذرد.
- ۲) و نسیمی خنک از حاشیه‌ی سبز پتو خواب مرا می‌روبد.
- ۳) در انتظار سپیده / با آتشی که در دل من بود / چون شمع قطره قطره چکیدم
- ۴) کبریت‌های صاعقه / پی‌درپی شب را کم‌رنگ می‌کند / خون از رگان فقر و شهادت جاری بود

۲۵. در کدام بیت «هم‌اضافه تشبیهی هم‌اضافه استعاری» وجود دارد؟ (سنجش ۹۹)

- ۱) محراب ابرویت بنما تا سحرگهی / دست دعا برآرم و در گردن آرمت
- ۲) این دست دهر ریشه پیوند من برید / از خاک میهن و شده آن خاک بر سرم
- ۳) از خون جوانان وطن لاله دمیده / از ماتم سرو قدشان سرو خمیده
- ۴) دست و بازوی تو چوگان بلند اقبالی ست / گوی توفیق ز میدان بر با بسم الله

خط فکری مجاز

۱ - بیامد که جوید ز ایران نبرد / سر هم‌نبرد اندرآرد به گرد

۲ - ز هر مرز مردان جنگی بخواند / سلیح و درم داد و لشکر براند

۳ - دیده‌ها همه بر خاک و سخن‌ها همه از خاک.

۴ - ای صبا گر به جوانان چمن بازرسی / خدمت ما برسان سرو و گل و ریحان را

۵ - محتاج قصه نیست گرت قصد خون ماست

۶ - تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

۷ - چمنی که تا قیامت گل او به بار بادا / صنمی که بر جمالش دو جهان نثار بادا

۸ - گریبانم ز دست چاک چاک است / نخواهم دوخت تا روز قیامت

۹ - پیش دیوار آنچه گویی هوش دار / تا نباشد در پس دیوار گوش

۲۶. در کدام گزینه مجاز دیده نمی‌شود؟

(۱) جهان پیر است و بی‌بنیاد، از این فرهادکش فریاد / که کرد افسون و نیرنگش ملول از جان شیرینم

(۲) بشد تیز ره‌ام با خود و گبر / همی گرد رزم اندر آمد به ابر

(۳) روزها گر رفت گو رو باک نیست / تو بمان ای آنکه چون تو پاک نیست

(۴) پنداشتم که سایه قد بلندت / آن طره سیاه که بر خاک می کشی

خط فکری تشخیص

۱ - مردی به مردی دشنه بر بیداد بسته

۲ - فریب جهان را مخور زینهار / که در پای این گل بود خارها

۳ - هنگام فرودین که رساند ز ما درود / بر مرغزار دیلم و طرف سپیدرود؟

۴ - مقیم بر سر راهش نشسته ام چون گرد / بدان هوس که بدین رهگذار بازآید

۵ - جانان من برخیز و آهنگ سفر کن / گر تیغ بارد گو بیارد جان سپر کن

۶ - از تو بود ای چشمه ی جوشان تابستان گرم / گر به هر سو خوشه ها جوشید و خرمن ها رسید

۲۷. تست - در کدام گزینه **Personification** دیده نمی شود؟

(۱) رونق عهد شباب است دگر بستان را

(۲) نهال دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد

(۳) اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد

(۴) چو گرد در قدم او دویدم و نرسیدم